وطن امروز

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش

مدیرمسوول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳

نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲

سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳

پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق

اذان ظهر:	۱۲:۰۶	غروب آفتاب:	۱۶:۵۹
اذان مغرب:	۱۷:۲۰	نیمه‌شب شرعی:	۲۳:۲۱
اذان صبح فردا:	۵:۴۴	طلوع آفتاب:	۷:۱۴

کلام نور

از قهر کردن با برادرت بپرهیز زیرا با وجود قهر بودن، عمل پذیرفته نمی‌شود.

پیامبر اعظم(ص)

راهنما

برنامه‌های امروز سیما

شبکه	عنوان برنامه	پخش
۱	مجموعه داستانی دشمن دیرین	۲۲:۲۰
۲	سریال مرز جنون	۲۱:۳۰
۳	مستند ۹ دی	۲۰:۰۰
۳	سریال همه‌چیز آنجاست	۲۰:۴۵
۳	تله فیلم خواب بلند	۲۲:۳۵
۵	فیلم‌سینمایی	۲۰:۴۵
۵	سریال وکیل تاسکا	۲۳:۰۵
آی فیلم	سریال فاصله‌ها	۱۶:۳۰
آی فیلم	سریال گاوصندوق	۱۹:۳۰
آی فیلم	سریال روزهای بد بدر	۲۰:۳۰
آی فیلم	سریال هزاردستان	۲۱:۳۰
نمایش	فیلم هیولای پرنده	۱۱:۰۰
نمایش	سریال روزگار جوانی	۱۳:۰۰
نمایش	فیلم لباسی برای خدمت	۱۷:۰۰
نمایش	فیلم دوچرخه‌سواری دو دوست	۱۹:۰۰
نمایش	سریال آیسان	۲۰:۰۰
نمایش	فیلم‌مخمصه	۲۳:۰۰

سلام وطن

پیامک: ۳۰۰۰۸۸/ تلفن: ۶۶۴۱۳۹۴۲

■ اگر موضوع مبلغ ۴ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلاری که گفته می‌شود، بدون اجازه مجلس از سوی دولت برداشت شده درست باشد، بهتر است دولت محترم به جای فرافکنی از ملت عذرخواهی کند. اینکه دائم بگویند هیچ تخلفی نبوده در حالی که دیوان محاسبات می‌گوید بوده، کار درستی نیست.

یک هموطن

■ این اتفاقاتی که در آمریکا افتاده و همچنان سیاهپوستان را می‌کشند، اگر در ایران بود، وزارت خارجه آمریکا چه‌ها که نمی‌کرد ولی در اینجا فقط می‌گویند محکوم می‌کنیم!

فرهادیان

■ ۹ دی تومار فتنه‌گران را پیچید؛ آیا دولت نباید به این مناسبت برنامه‌هایی بگذارد که در این باره تبیین صورت بگیرد؟

سهرابی

■ بودجه پژوهش برای سال آینده قرار است افزایش بسیار کمی یابد در حالی که ایران پیشروترین کشور دنیا در دانش است. در عین حال بودجه نهاد ریاست‌جمهوری قرار است افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. آیا قرار است سمینارهای بی‌خاصیت بیشتری برگزار شود؟

یحیوی‌زاده

■ این دولت قرار بود مانند دولت دهم کارهای غیرکارشناسی انجام ندهد ولی اینها هم مانند همان‌هایی که مسخره‌شان می‌کردند، اقداماتی انجام می‌دهند که قطعاً بدون کارشناسی است. یکی از اقداماتی که بی‌تردید هیچ پژوهشی روی آن انجام نشده و بی‌فکر قرار است انجام شود، خصوصی‌سازی مدارس است که علاوه بر غیرکارشناسانه بودن، خلاف قانون اساسی نیز هست.

کشتکار

■ با گذشت مدتی از گرانی نان نه به یارانه اضافه شده است و نه نظارتی بر نانوایی ها برای بهبود کیفیت و عدم تخلف از ۳۰ درصد اعلام شده صورت می گیرد. در عین حال، حالا که مبلغ قوت غالب را زیاد کردند، لااقل آن را رُند هم می‌کردند تا مردم و نانواها سر پول خُرد درگیری لفظی پیدانکنند.

سعیدی‌نیا

■ ظاهراً قرار نیست در این دولت به داخل احترام گذاشته شود و به بیگانگان هم اجازه اهانت داده نشود و اگر بی احترامی از اجنبی دیده شد، جوابی درخور داده شود. الان چندین و چند ماه از معرفی سفیر دائم ایران در سازمان ملل می گذرد ولی هنوز ویزا به وی نداده اند اما کافی است یک کارشناس منتقد، کوچک ترین حرفی بزند تا با موجی از تخریب روبرو شود.

محبوبی‌راد

■ اگر همین حوادث اخیر آمریکا و برخورد با سیاهان که ۵ ماه است ادامه دارد در ایران اتفاق افتاده بود دولت یانکی برای مخالفان و معترضان بودجه های صدها میلیون دلاری تصویب می کرد ولی دولت ما حالا شاید به خاطر آنکه به کدخدا برنخورد، صرفاً محکوم می کند(!) آن هم قطعاً نرم و برای خالی نبودن عریضه.

اسماعیل‌زاد

■ دولت با آمار غیررسمی نگوید از وقتی ما امور را به دست گرفته ایم، همه چیز گل و بلبل شده، در عمل کاری کند محرومان احساس کنند.

یک هموطن

■■ هوای تازه*

احسان محمدحسنی

۱- بار دیگر تفحص!

نیمه یکی از شب‌های سرد، مرطوب و استخوان‌سوز دی‌ماه سال ۷۹ در فکه بود. خسته و بی‌رمق و چمباتمه‌زده از سرما در زیر یکی از سه سوله رینگی کوچک مقر تفحص شهیدان، پادشاه هفتم را خواب می‌دیدم. نیمه‌های شب چندین بار متوجه حرکت و زمزمه‌های آهسته علی آقا شدم! اُورکت کرمای را روی دوشش انداخته بود و کلاهش را بر سر کرده بود. مطمئن بودم که هنوز وقت اذان نشده. در آن سرمای سوزناک سحرگاه فکه، بدنم گُر گرفته بود از شَرم.

مناجات و هق‌هق بی‌صدای نماز شبش که تمام شد، در آستانه اذان صبح، بلند شد فانوس به دست ایستاد و با آهنگی تکان‌دهنده و به یادماندنی یکی، دو بیت شعر را با صدای نیمه‌بلند خواند و اذان گفت تا همه برای نماز بیدار و آماده شوند: «صبح که سحر می‌زند، خدا نظر می‌کند/بنده چقدر بی‌حیاست، خواب سحر می‌کند». بعد از نماز رو کرد به من و گفت: «باز هم می‌خوای بخوابی؟» گفتم: «نه! درخدمتم!» گفت: «بریم بیرون؟» گفتم: «بریم.» و چه رفتنی! گرگ و میش هوای مه گرفته و پر سوز و سرمای فکه و شبنم‌های یخ‌زده روی بوته‌های کنار جاده حال غریبی در وجودم زنده می‌کرد. دست‌های یخ زده‌ام را در جیبم فرو برده بودم و بخار نفس کشیدنم جلوی صورتم را می‌پوشاند. قدری قدم زدیم. علی آقا درددل می‌کرد. نه! شاید وصیت می‌کرد. خیلی دلش گرفته بود. از نارفیق‌ها، از نامهربانی‌ها و بی‌صداقتی‌ها، می‌گفت و دور می‌شدیم از مقر. دردهای خودش و پای قطع شده و تن مجروح و خسته‌اش، پسرش «عباس» و معلولیتش که ۱۲ سال مثل یک تکه گوشت در گوشه خانه ناله می‌کرد و دلتنگی‌های دختر شاد و پرانرژی‌اش «فاطمه» که دلخوشی و مونس همسر صبور و غالباً تنهای علی آقا بود، از یکطرف و ناملایمات کاری و تنگناها و برادری‌های وصله پینه شده، از طرف دیگر!

در آن لحظه‌ها و دقایق، تصورش را هم نمی‌کردم که بعد از ۶ سال رفاقت؛ این آخرین دیدار من با او است. دردمندانه می‌نالید و نصیحت و وصیت می‌کرد. نمی‌دانستم یک‌ماه بعد، صبح روز ۲۲ بهمن، در وسط میدان مین منطقه عملیاتی فکه، آوردگاه رزم‌آوران نبرد والفجر مقدماتی، علی محمودوند، مرد روزهای مردآزمای جنگ و فرمانده و علمدار با اخلاص اکیپ تفحص لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص)، در خون خود به سجده می‌افتد و طعم تلخ از دست دادن رفیق را با شکستن کمرم، در کامم می‌نشاند!

گفتم وسط میدان؟! بله! شهدا همیشه وسط میدان بوده‌اند، خواه میدان مبارزه باشد، خواه میدان فداکاری و شهادت و خواه میدان «امیرچخماق» در شهر شهیدپرور و دارالعباده «یزد». باید به این ودایع کبریایی و دفینه‌های آسمانی که حاصل مجاهدت‌های شهیدان مظلوم و بی‌ادعای تفحص در میادین مین برجای مانده از جنگ در جنوب و غرب کشور، برای پایان بخشیدن به یک عمر چشم انتظاری هزاران پدر و مادر و همسران منتظر و داغدیده‌اند، سلام و درود گفت. شهیدان! صفای قدمتان...

۲- ماه فرو ماند از جمال محمد

برخی شنیده‌ها حاکی از آن است که اهالی محله هنر هفتم، این روزها در تب و تابند تا همزمان با فرارسیدن هفدهم ربیع‌الاول «میلاد پیامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع)» شاهد رونمایی از آخرین ساخته هنرمند با اخلاق کشورمان، مجید مجیدی باشند. امیدوارم چه در این مناسبت و چه در زمان دیگری که ممکن است دست‌اندرکاران آن برنامه‌ریزی کرده باشند، هر چه زودتر شاهد این اتفاق مبارک باشیم. فیلم سینمایی «محمد(ص)» که چند ماه قبل بخش‌های کوتاهی از پشت صحنه تولید و برخی سکانس‌های آن با حضور مجیدی برای میهمانان خارجی در سالن نمایش سازمان اوج به نمایش درآمد، الحق اثری باعظمت، لطیف و تأثیرگذار است. البته هر نوع قضاوت و داوری درباره محتوا و کیفیت این اثر را باید به بعد از دیدن نسخه کامل آن موکول کرد اما آنچه دیدم، تراز سینمای انقلاب اسلامی را ارتقا خواهد داد؛ ان‌شاءالله.

حالا بگذار وارثان محمد بن عبدالوهاب، تکفیری‌های آل‌صهیون و سلفی-صهیونیست‌های نفت‌خوار عقال قرمز، از خشم و عصبانیت بمیرند. بله! پیامبر اسلام، رحمةللعالمین است، نه الهه سربریدن و خون و وحشی‌گری و جهالت!

هر چند عمده عوامل اصلی این اثر، میهنی نیستند و همین منجر به چند برابر شدن هزینه‌های تولید آن شده و حساسیت‌هایی را در خانواده سینما برانگیخته است اما در این سرزمین آنقدر اسراف و ریخت و پاش هست که اگر بخش کوچکی از این ضایعات جلوگیری و کنترل شود، هر سال سه‌چهار اثر جهانی از این دست، می‌توان تولید و راهی ممالک دیگر کرد. خدا را شکر که توفیق پشتیبانی از تولید چنین اثری متعلق به هیچکدام از دولت‌ها نیست! نه دولت قبل که اعتنایی به جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی نداشت و نه دولت فعلی که در این حوزه‌ها اساساً دغدغه‌ای ندارد.

فیلم‌هایی از جنس «محمد(ص)» مجیدی و «چ» ابراهیم حاتمی‌کیای عزیز، موشک‌های شهاب ۳ جمهوری اسلامی ایران در حوزه فرهنگ است که می‌تواند معادلات ناتوی فرهنگی را به هم بریزد و نقشه‌ها را در این نبرد، جابه‌جا کند. میلیون‌ها و بلکه میلیاردها انسان قحطی‌زده تشنه و بمباران شده در زیر امواج هزاران شبکه ماهواره‌ای و رسانه‌های غول‌پیکر دشمن، در انتظار آثار ناب هنرمردان مسلمان و متعهد این آب و خاکند.... تا بیشتر از این دیر نشده، بسم‌الله.

۳- دست‌های پر جشنواره «عمار» و دست‌های خالی جشنواره «فجر»

هر چقدر از فتنه سال ۸۸ دورتر می‌شویم و گرد و خاک ناشی از آن غوغای غبارآلود فرو می‌نشیند، رویش‌ها و جوانه‌ها بیشتر رخ نمایان می‌کنند. یکی از رویش‌های مبارک این سال‌ها «جشنواره مردمی فیلم عمار» است. گردهمایی بزرگی که به اتکای آثار و تولیدات خودجوش جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و بعضاً با حداقل امکانات به فرجام قابل قبولی رسیده است. جشنواره عمار نهالی است که قد می‌کشد و بالا می‌رود. در حالی که جای هیچ جشنواره‌ای را تنگ نکرده! در تقویم سینمایی کشور بیش از ۳۰۰ جشنواره فیلم برگزار می‌شود؛ از «رویش» و «رشد» و «پلیس» و «مقاومت» و «فیلم کوتاه تهران» و «سینماحقیقت» گرفته تا «فجر» و «بهزیستی» و صدها جشنواره ریز و درشت دیگر! اما هیچکدام «عمار» نمی‌شوند. گفتمان غالب در اکثر آثار شرکت‌کننده در جشنواره عمار، گفتمان انقلاب اسلامی است و برای نگه داشتن این بیرق، با هیچ‌کس تعارف ندارد! صریح است و ساده. هر چند ممکن است در جاهایی با شلختگی و بی‌نظمی و شاید غیر استاندارد برگزار شود اما در این آب و هوای خراب و آلوده عرصه فرهنگ، برای اصحاب هنر و رسانه انقلاب اسلامی، غنیمت و هوای تازه است. هر چقدر دست بروبچه‌های شرکت‌کننده در این جشنواره از آثار زلال و اولویت‌دار انقلابی پر است، دست متولیان امسال جشنواره فیلم فجر، از آثار ناب، جذاب و تأثیرگذار دینی و متناسب با گفتمان انقلاب اسلامی، خالی است! همه ما علت این فقر و کم‌خونی شدید در سینمای سرطان‌زده این ملک را می‌دانیم. کاش متولیان دولتی و رسمی امر فرهنگ، نیم‌نگاهی به حال و روز بحرانی خود و انرژی و نشاط متراکم در وجود عمارهای جوان این دوران می‌انداختند. اگر چشم بینایی باشد!

راستی! از کوچ اجباری وحید جلیلی (دبیر جشنواره عمار) به شهر آقا علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) و پوشیدن کسوت «معاون اجتماعی شهرداری مشهد» مدتی گذشت. به خودش هم به طور شفاهی گفته‌ام: نمی‌دانم از رفتن دوست و برادرم آقا وحید به مشهد، باید ناراحت باشم یا خوشحال اما امیدوارم رفتن او منجر به بروز خلأ یا حفره‌ای پرنشدنی در روند مدیریت جشنواره عمار و سایر فعالیت‌های جنبی‌اش در این حوزه، نشود.

۴- «نُه ده» را فراموش نمی‌کنیم!

در آستانه یوم الله ۹دی، خواستم چند خط قلمی کنم اما هر چه کندوکاو کردم و عمیق‌تر شدم، زیباتر، خواندنی‌تر و دلنشین‌تر از «دل‌نوشت» برادر خوبم «حسین قدیانی» نیافتم! «من مستأجر نیستم! خانه‌ام بیت رهبری است» یادداشتی بود که برای همیشه در تاریخ روزنامه‌نگاری سیاسی، ماندگار شد. مثل خود نهم دی‌ماه. توصیه می‌کنم کتاب «نُه ده» حسین را حتماً بخوانید. تجربه واقعه عظیم و خروش مقدس ملت در حماسه نهم دی‌ماه، بار دیگر به همه یادآوری کرد: «خط قرمز» ما، لبیک یا حسین است.... خط قرمز ما، خط «ولایت» است و بس! چه زیبا گفت:

ما در ره عشق نقض پیمان نکنیم
گر جان طلبد دریغ از جان نکنیم
دنیا اگر از یزید لبریز شود
ما پشت به سالار شهیدان نکنیم

۵- از تهران تا کابل

همین یکی، دو ماه پیش بود. ساعت ۶ صبح یکی از روزهای آرام و ساکت پاییزی که زمین خیس شده از نم‌نم دانه‌های زلال باران بود و صدای رد شدن ماشین‌ها از چاله چوله‌های پرآب و حوضچه خیابان‌های تهران به گوش می‌رسید، نوجوان ۱۳-۱۲ ساله لاغراندامی که چشمانش پُف کرده بود انگار که از خواب ناز پریده باشد، توجهم را جلب کرد! سردش بود و چند نان بربری را لای پارچه‌ای در دست گرفته بود و از جلوی من رد شد. هنوز چند قدمی دور نشده بود که به یک‌باره درهای جلوی خودروی وانت دوکابین «ناجا» که گوشه‌ای از خیابان پارک شده بود و تا این لحظه جلب توجه نکرده بود، باز شد و ۳ مأمور نیروی انتظامی شروع به دویدن کردند، نوجوان، آشفته و بی‌پناه با همه وجود فرار می‌کرد. بقچه نان را رها کرد و با همه وجود مثل بچه آهو می‌دوید. یکی از مأموران که تنومندتر بود با دست‌های توپر و درشت، از پشت بر کتف پسر کوبید، مثل عقابی که بر شکار خود فرود آمده باشد، نوجوان با صورت به زمین خورد و میان گل و لای جمع شده در یکی از چاله‌ها، حسابی خیس و گل‌آلود شده بود. می‌لرزید! هم از ترس و هم از سرما!

پسربچه را بردند داخل همان وانت دوکابین که روی صندلی عقبش ۴-۳ کارگر افغان و در قسمت حمل بار هم، ۶-۵ پیرمرد و جوان افغان دیگر کز کرده و درهم فرو رفته و نشسته بودند! نتوانستم بیشتر از این بایستم و حیرت‌زده نگاه کنم. دویدم به سمت آن مأمور. پرسیدم چه شده؟ چه کار کرده‌اند؟ نگاهی کرد و گفت: «افغانی‌اند»! گفتم: خب؟ گفت: «خب که خب! باید برگردند به کشورشان! مردم از اینها ناراضی‌اند و از ناجا تقاضا دارند افغانی‌ها را جمع کنیم و برگردانیم به کشورشان...!» بگذارید ادامه ندهم... کافی بود یک نفر با موبایل از این صحنه فیلم می‌گرفت؛ آنوقت همین غوغا و جنجالی که اکنون بر سر فیلم اخیر در شبکه‌های اجتماعی برپا شده، ۲ ماه پیش جرقه زده می‌شد. برخی از ما، عجب ملتی هستیم! یادم آمد اردیبهشت ۹۲ در خط مقدم جبهه مبارزان سوری در «ریف دمشق»، یکی از محورهای عملیاتی دست شیعیان افغانستان بود که به یاری و مدد علوی‌های شام شتافته بودند. فقیرترین و بی‌امکانات‌ترین و سخت‌ترین محور عملیاتی، تحویل جمع قلیلی از افغان‌ها بود. بعد از سلام و احوالپرسی و خداقوت به جوان‌ترها، معلوم شد یکی از آنها فرزند مجاهد شهیدی است که پدرش زمستان سال ۶۵ در شلمچه به شهادت رسیده! چه بسیارند شهدای مظلوم و گمنام افغانستان که در ۸ سال جنگ نابرابر تحمیلی به این ملت مظلوم، خودشان را برای دفاع از این آب و خاک به جبهه‌های نبرد با ارتش مجهز حزب بعث و حامیان بین‌المللی‌اش رساندند! چه بسیارند مفاخر و مشاهیر افغان در ایران و افغانستان که بی‌ادعا و بی‌نشان در غربت و فقر روزگار می‌گذرانند. شعرا و ادیبان، نویسندگان و دانشگاهیان افغان، بماند! بیش از ۳ میلیون نفر نیروی کار در کشورمان بدون داشتن بدیهی‌ترین حقوق اجتماعی نظیر اجازه تحصیل، معامله و بیمه بهداشت و درمان و... سخت‌ترین و ملال‌آورترین مشاغل، از عرق ریختن در کوره‌های آجرپزی تا کارگری ساده ساختمانی را بر عهده گرفته‌اند. یادش بخیر «احمدشاه مسعود» شیر دره پنجشیر! مستند «لعل بدخشان» محمدحسین جعفریان را بارها دیده‌ام؛ با نواها و موسیقی‌های محلی افغانستان زندگی کرده‌ام. افغانستانی که معدن غنی و حاصلخیز منابع انسانی نجیب، باانگیزه و مستعد است، حسرتا که فعلاً از این استعدادها و منابع سرشار، آمریکا و انگلیس و فرانسه و ترکیه و سایر دولت‌های اروپایی بهره می‌برند و نه انقلاب اسلامی ایران که با قدمتی فرهنگی و دیرینه و همزبان و هم‌گویش با کشور همسایه خود است! فیاللعجب! چقدر غفلت! بعد از دیدن این صحنه تأسفبار، با محمدحسین جعفریان تماس گرفتم. باسابقه‌ترین و فعال‌ترین عنصر فرهنگی انقلاب در حوزه افغانستان که عمر و جوانی و سلامتی خودش را پای نزدیکی دو ملت بزرگ ایران و افغانستان گذاشت. به او گفتم: حسین عزیز! جوانمردی کن و هرچه سریع‌تر برنامه مجله تلویزیونی «سلام افغانستان» را که برای پخش از شبکه افق برنامه‌ریزی کرده‌ای، شروع کن! مجله‌ای تصویری و هفتگی که به معرفی هر چه بیشتر افغانستان می‌پردازد. جعفریان تعجب کرده بود اما حال خرابم را درک می‌کرد و خوب می‌فهمید. چرا ما هنوز توانایی‌ها و استعدادهای بزرگ نهضت جهانی اسلام را به خوبی نشناخته‌ایم و باور نکرده‌ایم؟... فرصت‌ها چه ساده از کف می‌روند، هیهات!

۶- شب‌های قدر کربلای ۵

هر سال به نیمه‌های دی‌ماه نرسیده، بروبچه‌های رزمنده و جانبازان و خانواده‌های شهیدان، یاد عملیات کربلای ۵ و کانال پرورش ماهی و نهر خین و شلمچه و جزیره ام الرصاص و اعزام عظیم و سراسری «سپاهیان محمد(ص)» می‌افتند. گفتم کربلای ۵، یاد نویسنده توانای کتاب «شب‌های قدر کربلای پنج» افتادم. «نصرت‌الله محمودزاده» نویسنده و پژوهشگر ارزشمندی که بخشی از اخلاق و تجربه دوره نوجوانی‌ام را مدیون شخصیت قهرمانان واقعی کتاب‌های او هستم که بشدت بر من تأثیر گذاشت. «مسیح کردستان» قصه زندگی سردار شهید محمد بروجردی و «سفر سرخ» قصه دیگری از زندگی دانشجوی پیرو خط امام و یکی از فاتحان لانه جاسوسی آمریکا، شهید سیدحسین علم‌الهدی. به قول حسین بهزاد عزیز (خالق کتاب‌های ارزشمندی همچون همپای صاعقه)، ای‌کاش در این روزگار و در پیچ و خم هزارتوی این شهر آلوده و شلوغ، قدر و قیمت خالق کتاب کم‌نظیر شب‌های قدر کربلای ۵ را بیشتر می‌دانستیم. خدا را شکر که او هنوز در بین ما است.

۷ - ... و اما اربعین!

اگر خدا بخواهد و صاحب عاصی این قلم فقیر و ناتوان را عمری باقی بود، به قدر وسع قلیل خود، تلاش خواهد کرد در هر یادداشت، ذره‌ای و قطره‌ای از اقیانوس حلاوت مائده‌های این رخداد عظیم آخرالزمانی را ولو در حد چند سطر بازگو کند. همین مقدمه مختصر کفایت می‌کند تا مثل تخته شکسته واژگون و بی‌اختیار، دل به اقیانوس توفانی و مواج اربعین بزنم. ۳ سال قبل‌تر که برای نخستین بار شال و کلاه کردم، در سفر عجیب و آسمانی اربعین، توفیق یار شد و همسفر حجت‌الاسلام «آقاتهرانی» شدم. قبل از حرکت وقتی مختصر توشه و وسایلم را برای طی طریق در جاده نجف اشرف تا کربلای معلا، در کوله‌پشتی کوچکم، جمع و جور می‌کردم، بزرگ‌ترین دغدغه‌ام برای این سفر، گیج زدن در عوالم روزمرگی و سیر و سیاحت در وادی اطعمه و اشربه مسیر، آن هم به خاطر فقدان هادی و همسفر و هم‌صحبت عالم و بااخلاق بود که به لطف و مرحمت ارباب و آقا و سرورم حضرت سیدالشهدا(ع)، با همراهی گوهر نابی همچون «حاج آقامرتضی»، این یگانه دغدغه هم مرتفع شد... بگذریم! اصل و فرع و حواشی و خاطرات سفر بماند برای فرصتی دیگر! در طول مسیر، مانده بودم حیران و بهت‌زده در کشف اسرار این اتفاق بی‌بدیل و این رزمایش و مانور قدرت شیعه در عصر آخرالزمان! که حاج‌آقا به فریادم رسید، دلایل متعددی را یکی یکی برشمرد که حافظه زنگ زده و نم کشیده من، ۲ دلیل را به خاطر سپرد:

۱- در آخرالزمان، هنگامی که حضرت بقیةالله‌الاعظم(عج) پایگاه و مرکز حکومت را در کوفه قرار می‌دهند، آن زمان که سپاه و لشکر اسلام، فوج فوج به ایشان ملحق می‌شوند، طبق روایات، زمانی که حضرت در مسجد کوفه به نماز می‌ایستند، صفوف طولانی و درهم فشرده سپاه اسلام، تا کربلا امتداد می‌یابد. زمین زیر پای نمازگزاران آخرالزمانی به واسطه رفت و آمدهای زوار پیاده حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) پاک و مهیای آن رخداد عظیم خواهد شد.

۲- هیچ دولتی قادر نیست با این نظم و انضباط و با این عرض و طول و حجم و کیفیت، پشتیبانی و تأمین نیازمندی‌های میلیونی لشکریان آخرالزمانی امام عشق را تأمین کند، لذا ملت عراق، در آزمونی بزرگ در حال تمرین میزبانی و آماده شدن برای پذیرایی از آن سپاه عظیم‌هستند!

فعلاً همین مختصر را داشته باشید تا فرصتی دیگر!

اللهم‌ارزقنا شفاعة‌الحسین یوم‌الورود

عزت‌تان مستدام

.....

*** روزنامه وطن‌امروز از این پس روزهای دوشنبه با ستون «هوای تازه» میهمان قلم احسان محمدحسنی است.**

کلام روز

۸ دی ۸۸ تبریز باز هم پیشتازی‌اش را ثابت کرد

ادامه از صفحه اول

۸ دی امام جمعه، مسؤولان استان و شهرستان، رؤسای هیات‌های مذهبی، علما، خانواده شهدا و... و می‌توان گفت قریب به اتفاق مردم، همانگونه که همواره در تمام عرصه‌های دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب پیشتاز هستند و قبلاً نیز پیشتازی خود را در ۲۹ بهمن ۵۶ با برگزاری چهلم شهدای ۱۹ دی قم و همچنین در دفاع‌مقدس به نمایش گذاشته بودند، خروشیدند و این اقدام جنایتکارانه فتنه‌جویان و هواداران فتنه را محکوم کردند. در سخنرانی حماسی‌ای که در این راهپیمایی ایراد شد نیز مسائلی در تبیین وقایع فتنه و چگونگی اهانت به ساحت مقدس امام حسین(ع) و دیگر مقدسات اسلام و انقلاب و ضرورت برخورد با عوامل فتنه مطرح شد. راهپیمایی بی‌نظیری که مردم همیشه در صحنه تبریز در هشتم دی‌ماه به منصه ظهور گذاشتند و انعکاس آن از طریق رسانه ملی سبب شد راهپیمایی نهم دی ماه با گستردگی بیشتری در سراسر کشور برگزار شود و با حضور ۵۰ میلیونی مردم سراسر کشور در ۹ دی ۸۸، بساط فتنه جمع شد و باز هم لطف حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام شامل حال ملت ایران شد و نظام از این توطئه بزرگ، گذشت. از آن پس، ۹ دی روز «بصیرت» نام گرفت و الحق‌والانصاف در نهم دی ماه مردم، بصیرت و بینش خود را نسبت به رهبری الهی ولی‌فقیه، ارزش‌های دینی و نیز مخالفت‌شان را با جاه‌طلبی سران فتنه و خصومت شیطانی دشمنان اسلام و انقلاب و استکبار جهانی متجلی کردند.

۴- فتنه در کنار تلخی‌های بسیاری که داشت، برکاتی نیز داشت که یکی از آنها تصفیه انقلاب بود. همچنین برای ملت ایران آشکار شد فتنه از سوی آمریکا، انگلیس و صهیونیست‌ها از قبل برنامه‌ریزی شده است، زیرا برخی فعالان فتنه پس از دستگیری در روز عاشورا در محاکمه خویش اعتراف کردند هدف آنان از این جریانات براندازی نظام بوده که در قالب ادعای تقلب در انتخابات این توطئه عظیم را در سر داشته‌اند. مع‌الوصف به فضل الهی و مدیریت مدبرانه رهبر حکیم انقلاب اسلامی و نیز بصیرت و وحدت ملت ایران با راهپیمایی حماسی نهم دی توطئه مذکور خنثی شد و اکنون نیز مردم هرگز این فتنه را ـ همانگونه که رهبر معظم انقلاب بارها در سخنرانی‌های خویش درباره اهمیت این جریان و اهداف شومی که دشمنان خارجی و مزدوران داخلی و ناآگاهان در این جریان آن را دنبال می‌کردند، مطالبی را عنوان می‌فرمایند ـ فراموش نمی‌کنند.

۵- پرواضح است ملت ایران دریافته‌اند نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون نسبت به عوامل فتنه رفتاری کریمانه و توأم با رأفت داشته، چرا که در برخورد با سران چنین جریانی که هدف آن براندازی نظام، ایجاد ناامنی در کشور و تحریک ملت بوده در کشورهای دیگر مجازات‌های به مراتب شدیدتری اعمال می‌شود اما رأفت جمهوری اسلامی تاکنون برای سران فتنه تنها حصر و عدم فعالیت را در نظر گرفته تا این عوامل بار دیگر فعالیت‌های خود را از سر نگرفته و موجب ایجاد ناراحتی برای مردم نشوند و لطمه‌ای به ملت وارد نکنند، لذا اگر این افراد محاکمه شوند، قطعا باید مجازات شدیدتری برای آنان اعمال شود در حالی که تاکنون چنین محاکمه‌ای صورت نگرفته و تنها محصور شده‌اند.

*** امام جمعه تبریز و عضو مجلس خبرگان رهبری**

آب‌وهوا

ابوموسی	۳۷ / ۱۰	سیستان	۱۵ / ۴-
آذرشرقی	۹ / صفر	فارس	۱۷ / صفر
آذرغربی	۷ / ۴-	قزوین	۱۲ / ۲-
اردبیل	۱۱ / ۳	قم	۱۷ / ۲-
اصفهان	۱۴ / ۱	کردستان	۱۲ / ۲-
البرز	۱۳ / ۱-	کرمان	۱۸ / ۴-
ایلام	۱۵ / ۲	کرمانشاه	۱۱ / ۲-
بوشهر	۲۲ / ۱۳	کهگیلویه	۱۵ / ۱
تهران	۱۱ / ۳	گلستان	۱۸ / ۲
چهارمحال	۱۱ / ۸-	گیلان	۱۸ / ۴
خراسان‌ج	۱۴ / ۵-	لرستان	۱۵ / ۵
خراسان‌ر	۱۵ / ۲	مازندران	۱۷ / ۴
خراسان‌ش	۱۲ / ۲-	مرکزی	۹ / صفر
خوزستان	۲۲ / ۱۰	هرمزگان	۲۷ / ۱۰
زنجان	۱۱ / ۳-	همدان	۱۲ / ۳-
سمنان	۱۱ / ۱	یزد	۱۹ / ۱

تقویم تاریخ

■ امضای نخستین قانون اساسی ایران توسط مظفرالدین‌شاه‌بانام‌نظامنامه سیاسی (۱۲۸۵ش)

نخستین قانون اساسی مشروطه با نام نظامنامه سیاسی که توسط اولین مجلس شورای ملی ایران در ۵۱ ماده تهیه و تدوین شده بود، هشتم دی‌ماه ۱۲۸۵ ش به امضای پادشاه وقت ایران، مظفرالدین‌شاه قاجار، رسید و مظفرالدین‌شاه، خود پس از ۱۰ روز درگذشت. قانون اساسی امضاشده توسط شاه، دربرگیرنده خواست واقعی مردم و علما نبود و اصولاً بدون وقت کافی و با عجله به طور عمده در جهت مسائل مجلس شورای ملی تدوین شده بود. این قانون همچنین از بسیاری مسائل مهم و اساسی دیگرِ حقوقی که باید در آن مطرح می‌شد، بی‌بهره بود. از سوی دیگر روشنگری‌های روحانیت که در صف مقدم نهضت و مبارزات مشروطیت حضور داشتند، به‌رغم کارشکنی‌های مداوم درباریان، شرایطی را به وجود آورد که پس از مرگ مظفرالدین‌شاه در همان آغاز سلطنت محمدعلی‌شاه، کمیسیونی در مجلس شورای ملی به منظور تهیه متمم قانون اساسی تشکیل شود. متمم قانون اساسی سرانجام در ۱۰۷ ماده تصویب و در ۱۵ مهر ۱۲۸۶ش به امضای محمدعلی شاه قاجار رسید. قانون اساسی مشروطه در طول سال‌های متمادی، بویژه در دوره رژیم دیکتاتوری پهلوی، دستخوش تغییر و تحول بسیار شد، به طوری که در زمان محمدرضا پهلوی، چندین بار، اصول آن تغییر یافت یا مواردی به آن اضافه شد. حذف و اضافه این اصول، معمولاً به ضرر حاکمیت مردم و اسلام بر کشور و در جهت تثبیت سلطه استبدادی پهلوی بود. دگرگونی اصول مهم قانون اساسی اولیه، از عوامل انحراف نهضت مشروطیت بود. در نهایت با طلوع آفتاب پرشکوه انقلاب اسلامی، قانون اساسی کشور نیز مورد بازنگری کلی قرار گرفت و قانون اساسی فعلی جایگزین آن شد.

■ اجتماع بزرگ مردم در میدان بهارستان تهران برای ملی شدن نفت (۱۳۲۹ش)

پس از آنکه اول تیرماه سال ۱۳۲۹ش، مجلس شورای ملی برای رسیدگی به مساله نفت، کمیسیون خاصی را تعیین کرد، بحث بر سر ملی کردن نفت بر سر زبان‌ها افتاد و این مساله پس از مدتی به طور جدی مطرح شد. در این میان، سپهبد رزم‌آرا، نخست‌وزیر رژیم پهلوی بشدت با ملی شدن نفت مخالفت ورزید و ایران را ناتوان از استخراج و تولید نفت معرفی کرد. به دنبال نطق